

**بادکالی‌پر**

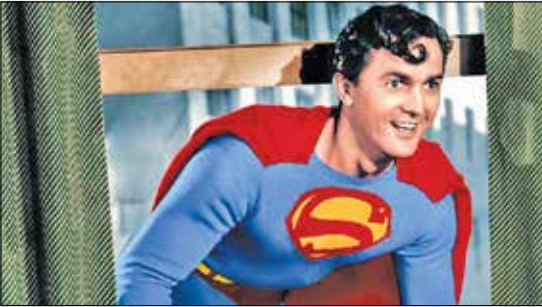
- حاضر در «ماجراهای نمایش رادیویی سوپرمن» (از ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۱)،
- سری «کارتون‌های سوپرمن» (از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳) و «ماجراهای تازه سوپرمن» (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰)



شاید به نظر برسد انتخاب باد کالی‌پر و پرهیز از نام بردن از سایرین ظلم به دیگر صداییشه‌هایی باشد که به جای این کاراکتر سراسر است و عدالت‌طلب و نیک‌اندیش صحبت کرده‌اند و آنها دنی دارک، تیم دیلی و جورج نیوبرن هستند ولی واقعیت امر این است که دستاورد‌های کالی‌پر در این زمینه بسیار بیشتر از نامیردگان و طول مدت حضورش در این نقش ولو فقط به‌صورت صوتی به غایت بیشتر از تمامی کسانی بوده که این نقش را چه در سینما و چه در سایر مدیوم‌ها ایفا کرده‌اند و کافی است متذکر شویم که این مقطع زمانی از سه دهه هم فراتر می‌رود و تو گویی باد کالی‌پر همیشه و همیشه سوپرمن بوده است. ابرمردی که فقط در صورت استفاده سایرین از یک سنگ خاصی موجود در سیاره کریپتون کمرنگ و کم توان می‌شود و این تنها نقطه ضعف و به روانی تک پاشنه آشیل وی است. باور کردنی نیست اما این یک حقیقت مسلم است که کالی‌پر در حدود دو هزار اپیزود رادیویی «ماجراهای سوپرمن» در قالب او ظاهر شد و بواقع به جای وی صحبت کرد. هرگاه که او طی این نمایش‌های رادیویی از عبارت «حالا وقت سوپرمن شدن است» استفاده می‌کرد، شنوندگان می‌فهمیدند که طبق خیل این داستان‌های کمیک‌بوکی کلارک کنت روزنامه‌نگار به ظاهر معمولی و کم توان در حال تبدیل شدن به سوپرمن قدرتمند است تا مشکل بزرگی را که برای یکی از اطرافیان‌ش یا مردم عادی پیش آمده است، حل کند و او را به ساحل نجات برساند.

### کرک آلین

■ **حاضر در «سوپرمن» (۱۹۴۸) و «مرد اتمی روبه‌روی سوپرمن» (۱۹۵۰)**



عجیب بود که تا واپسین سال‌های دهه ۱۹۴۰ طول کشید تا سوپرمن به روی پرده‌های نقره‌ای فرستاده و تبدیل به یک ستاره سینما شود یا تصاویرش در تلویزیون بیاید و امثال «بت‌من» و کاپیتان مارول که سال‌ها رقیب وی در سری داستان‌هایی از این دست بوده‌اند، چند سال پیش از وی انتقال خود را به مدیوم سینما تجربه کرده بودند. درست است که دو مجموعه «سوپرمن» و «مرد اتمی روبه‌روی سوپرمن» چندان خوب و کارهایی ماندگار نیستند اما این امر تقصیر کرک آلین نیست و او هرچه از دستش برمی‌آمد، برای جلوه‌گری هرچه بیشتر این قهرمان نجات‌دهنده افراد محتاج و انسان‌های تحت ستم انجام داد و هیجان زیادی را ضمیمه کارهایش کرد. او که آمادگی و انعطاف بدنی زیادی داشت، تصویری متعادل از سوپرمن ارائه کرد و حتی عده‌ای گفتند توصیف او از سوپرمن قدری کارتونی و دور از خصایل قدرت‌مداران‌های است که همیشه به سوپرمن نسبت داده شده است. در عین حال نباید فراموش کرد که حرکات سریع و نحوه دویدن‌ها و تقابل زورمندانه سوپرمن با تبهکاران در این سریال‌های تلویزیونی (و پخش شده گزیده آن در سینما) برابر با حداکثر چیزی است که در آن زمان‌ها در هنرهای نمایشی در ارتباط با قهرمانان کمیک استریپی انتظار آن می‌رفت و به اندازه کافی بوی قهرمانی می‌دهد. آلین بعداً در یک سریال تلویزیونی مرتبط با یک قهرمان دیگر کمیک‌بوکی به‌نام «عقاب سیاه» هم ظاهر شد و این چهره‌ای است که استیون اسپیلبرگ معروف در تدارک ساخت تجسم و تصویر تازه‌ای از وی در صحنه سینما طی سالاین اخیر بوده است. آلین سپس در کارهای وسترن پرتعدادی بازی کرد و سازندگان اولین فیلم از سری کارهای جدید و بلند پیرامون سوپرمن هم که در سال ۱۹۷۸ اکران شد، به آلین به‌خاطر پیشینه‌اش در این پروژه جایی دادند.

### جورج ریوز

■ **حاضر در فیلم سینمایی «سوپرمن و مردان گمراه‌کننده» (۱۹۵۱) و مجموعه تلویزیونی «ماجراهای سوپرمن» (۱۹۵۲ تا ۱۹۵۸)**



شکی نیست که نمایش‌های جورج ریوز در نقش سوپرمن بسیاری از سنن مرتبط با این‌گونه موضوعات و کاراکترها را عوض کرد و الگویی ماندگار را برای سایرین و جانشینان خود باقی گذاشت. ریوز البته در شماری از کارهای مطرح دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ ظاهر شده و حتی در فیلم افسانه‌ای «بربادرفته» هم نقش کوچکی را بازی کرده بود و در سریال تلویزیونی ماجراهای سوپرمن هم که فقط به درازا انجامید، از سوپرمن مردی را ساخت که در عین جدیت و قاطعیتش در برخورد با اشرار به ندرت لیخند خود را فراموش می‌کرد و با آن چانه بزرگ و چهره‌ای که از آن حق به جانب بودن می‌بایرد، آمیزه‌ای از شیرینی درونی و تلخی بیرونی بود. با بازی ریوز، سوپرمن مردی بود که حتی در زمان حضور در هویت اصلی‌اش – کلارک کنت – آمادگی ورود به فضاهای خطرناک و حذف بد کرداران را داشت. این موارد و صدای پر عمق و توانایی جسمانی مشهودی که حتی درون لباس‌های کامل سوپرمن پوشش داده نمی‌شد، ریوز را به اوج رساند و تبدیل به بهترین سوپرمن ممکن تا آن مقطع زمانی (از ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰) کرد و در اولین سال‌های بعد از غروب او نیز جانشینان وی می‌کوشیدند سوپرمن را جورج ریوزوار بازی کنند. ریوز که امیدوار بود ورودش به دنیای کمیک‌بوک‌ها و زندگی سوپرمنی‌اش یک چیز موقتی و کاری کوتاه مدت و پلی به‌سوی نقش‌های مهم‌تر و فیلم‌های برجسته‌تر باشد، چنان به این نقش گره خورد که مثل سایر سوپرمن‌ها و بت‌من‌ها هرگز از آن رهایی نیافت.

# پرنده نجات‌بخش

◀ | **وصال روحانی**

خبرنگار

بازی کردن در نقش افسانه‌ای سوپرمن کار بسیار سختی است زیرا هرکس براساس سلاقی و برداشت خود از حضور و زندگی این کاراکتر کمیک بوکی در یک طیف زمانی بیش از ۸۰ سال توقع خاص و متفاوتی دارد. با وجود این می‌توان گفت اکثر کسانی که تا به حال در قالب سوپرمن فرو رفته‌اند، از عهده کار برآمده و این مرد استثنایی سفر کرده از سیاره خیالی کریپتون را که برای نجات انسان‌های دردمند و مظلوم

### کریستوفر ریو

■ **حاضر در «سوپرمن یک» (۱۹۷۸)، «سوپرمن ۲» (۱۹۸۰)، «سوپرمن ۳» (۱۹۸۳) و «سوپرمن ۴: در جست‌وجوی صلح» (۱۹۸۷)**



به‌نظر اکثریت مردم و اغلب کارشناسان کریستوفر ریو فقید، خالق بهترین و کامل‌ترین سوپرمن در کل تاریخ سینما بوده و رد کردن این ادعا آن قدرها هم آسان نیست. با اینکه نحوه کارگردانی برخی از فیلم‌های چهارگانه سوپرمن وی ناقص بود و سناریوها هم ایراد داشتند اما ریو چنان در این نقش خوب و قدرتمندانه جاافتاد و با وسعت درخشید که هیچ‌یک از سوپرمن‌های بعدی نیز به حد و حدود او نرسیده و به اندازه‌های کاری و میزان اثرگذاری او نایل نشده‌اند. طبق داستان‌های سوپرمن، این مرد منجی مظلومان قدرت پرواز دارد و کریستوفر ریو با قیافه قاطع و رفتار محکم و سرشار از اعتماد به نفسش طوری این کار را جلوه‌گر می‌شد که هر بیننده‌ای متقاعد می‌شد او واقعاً در حال پرواز است و البته پیشینه او در کار خلبانی و چند سال پرداختن به این حرفه خطرناک هم مزید بر علت می‌شد و او را در ترسیم پروازهای البته خیالی‌اش موفق‌تر می‌ساخت. دیگر هنر مهم ریو این بود که به‌رغم هیکل بزرگ و قد بلندش که او را یک انتخاب بدیهی برای ایفای نقش سوپرمن نشان می‌داد، کت و شلوارهای

#### جان‌ها یمز نیوتون

■ **حاضر در مجموعه تلویزیونی «سوپروی» (۱۹۸۸)**



همان‌طور که عنوان این سریال نشان می‌دهد این سریال متمرکز بر ابرام جوانی سوپرمن است و او را در دوره‌ای نشان می‌دهد که به کالج می‌رفت. این سریال آن قدر موفق بود که در چهار فصل تهیه شد اما هایمز نیوتون فقط در فصل اول به

### جرارد کریستوفر

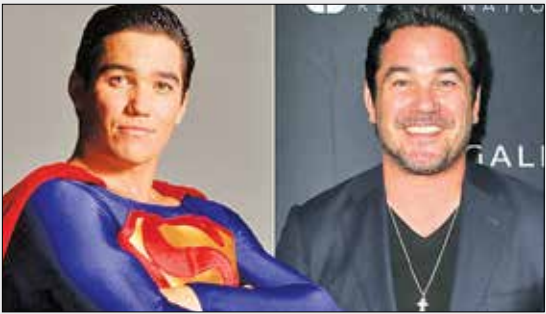
■ **حاضر در سریال تلویزیونی «ماجراهای سوپروی» (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱)**



کریستوفر بیش از آنچه عده‌ای می‌پندارند، در قالب مرد آهنین و بهتر بگوییم پسر آهنین فرو رفت و با وجود این در یاد خیلی‌ها نمانده است. او طی سه سال در ۷۳ اپیزود نیم ساعت از مجموعه ماجراهای «سوپروی» لباس این نجات‌دهنده جوان و پرفر انرژی را بر تن کرد و چیزی در حد و اندازه‌های کریستوفر ریو به‌لحاظ

### دین کین

■ **حاضر در مجموعه تلویزیونی «لوییس و کلارک: ماجراهای تازه سوپرمن» (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷)**



درباره این سریال حرف‌های زیاد و انتقادات متعددی مطرح می‌شود اما نمی‌توان انکار کرد که تعدادی از قسمت‌های آن واقعاً خوب از آب درآمدند و حق مطلب را درباره سوپرمن و اطرافیان او ادا کردند. سیزون اول این

به کره خاکی آمده، با اقتدار به تصویر کشیده‌اند. با این حال فهرست بازیگران و

صداییشه‌هایی که در این نقش ظاهر شده‌اند، نمی‌تواند حاوی همه نام‌ها باشد و نام برخی بازیگران و صداییشه‌های این نقش به این سبب که قدرت و مدت حضوری به اندازه رقبای بزرگ‌تر خود نداشته‌اند، لاجرم از لیست بیرون می‌ماند که جان راک ول و باب هالیدی از این قماش‌اند. هرچه هست بارزترین مردان فرو رفته در قالب‌های سوپرمن و بر تن اندیشه‌های لباس‌های قهرمان نجات‌دهنده‌ای که به «مرد آهنین» معروف است و در آسمان هاسیر می‌کند، اینها هستند که در صفحه حاضر می‌بینید.

تولیدکنندگان این مجموعه بسیار کوشیدند این سری کارها نمایش مستقیم و صریحی از سوپرمن و مختص به وی نباشد اما گاهی ولو کوتاه و گذرا به تام ولینگ و طریقه ترسیم او و کارهایی که انجام می‌دهد، حتی در اپیزودهای اولیه نیز چیزی

خلاف این را می‌گویند و به‌لحاظ قیافه و صورت ظاهر هم این هنرپیشه یادآور چهره و حالات کریستوفر ریو بود. این چنین بود که در پایان ۱۰ سال بخش این مجموعه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی و کابلی جهان، ولینگ سهم و نقشی مختص به خود و جالب توجه در خلق افسانه‌های سوپرمن پیدا کرده و یکی از اضلاع آشکار این فرآیند بزرگ نمایشی شده‌بود. خرده‌گیران می‌گویند زمانی بیش از حد صرف تشریح تبدیل تدریجی کلارک کنت روزنامه‌نگار عادی و خجول به سوپرمن منجی جسور انسان‌های تحت‌ستم جامعه شده و برخی سکانس‌ها گذارند و کسالت می‌آفرینند اما عملکرد ولینگ در ۲۱۸ اپیزود این سریال او را در بالا‌های جدولی قرار می‌دهد که از نام‌های ایفانگار نقش این ابرقهرمان خیالی و کمیک‌بوکی شکل گرفته است. «اسمال ویل»

به ما می‌گوید چه الزام‌هایی کلارک را به سوی سوپرمن شدن سوق داده است.

جین سیمور و «دام مرگ» ساخته سیدنی لومت طی دهه ۱۹۸۰ آنقدرها هم حضورهای کم‌نمر و ناموفقی نبودند. هرچه بود تلخ‌ترین پایان ممکن برای دوران سوپرمنی کریستوفر ریو و بواقع برای کل عمر او ترسیم شد و آن پایان را سقوط شدید ریو از روی اسب طی سوارکاری و فلج شدن وی از ناحیه کمر موجب شد و ریو وادار گشت سال‌های بعدی عمرش را روی صندلی چرخدار بگذرانند و این برای خیل هواداران او و دوستانداران سوپرمن فاجعه‌ای بزرگ بود زیرا می‌دیدند نماد قدرت سوپرمنی شان تبدیل به تکه‌گوشتی شده که حتی توان چند سانتیمتر راه رفتن هم ندارد. در آن سال‌های تلخ ریو در مجامع متعددی ظاهر شد و سخنرانی‌های اجتماعی و امید بخشی برای سایرین داشت و از این شهادت هم بهره می‌برد که در مجموعه تلویزیونی «اسمال ویل» که الهام گرفته از سوپرمن بود، نیز ظاهر و تبدیل به کاراکتر دکتر ویرجیل سوان شود اما مقاومت جسمانی و شیشه عمر وی رو به فنا می‌رفت و او سرانجام در سال ۲۰۰۴ درگذشت تا بهترین سوپرمن تاریخ به بدترین شکل از صحنه خارج شود.

سال ۱۹۸۸ در این مجموعه ایفای نقش کرد. با بازی هایمز با سوپرمنی مواجه هستیم که در تضاد با سن‌اندکش بسیار اقلانده عمل می‌کند و دنبال چیزهای بیبوهه نیست و جدی و محکم نشان می‌دهد. هایمز در ایفای نقش کلارک کنت یعنی خبرنگاری که در ظاهر کم عقل و معمولی ولی در باطن همان سوپرمن هوشیار و توانمند است، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بیننده او را بیشتر یک مهره غریبه با مناسبات روز و فقط ناظر اتفاقات جهان می‌پاید. و این شاید پایه‌ریزی و مقدمه‌ای بر سریال «اسمال ویل» و طریقه ترسیم سوپرمن در آن باشد. مجموعه‌ای که بیش از ۱۵ سال بعد از سریال هایمز و شرکایش به روی آنتن رفت و آن نیز نشانگر جوانی‌های سوپرمن و ایامی است که کاراکتر او در دست تکوین بود، نگفته‌نماند که به‌رغم تلاش غیرقابل انکار و بدعت‌گذاری‌های آشکار نیوتون هایمز سیزون اول مجموعه «سوپروی» یک سریال بی‌نقص و بی‌با داندنی نیست و سناریوی اکثر اپیزودها معیوب و سرشار از ایراد است و حتی به‌لحاظ ادوات تهیه و امکانات سخت‌افزاری و ملزومات بدوی یک اثر تلویزیونی می‌لنگد و اگر آن را کلا نبینید، چیزی را از دست نداده‌اید و شاید فقط به درد آرشئوپازها و بخصوص کسانی بخورد که عاشق سوپرمن هستند و مایلند همه کارهای تصویری و حتی صوتی مرتبط با وی را داشته باشند.

وفادار بودن به سنن سوپرمن و شبیه بودن به توصیفی بود که همواره از وی در دست است. وقتی این سریال به سیزون‌های سوم و چهارم خود رسید، طول عمر و پختگی تدریجی روحی و جسمی سوپروی به حدی رسیده بود که دیگر می‌شد او را همان سوپرمن در بدو بزرگسالی‌اش تلقی کرد و حتی مشغول شدن کلارک کنت به حرفه روزنامه‌نگاری و آشنا شدن او با یک همکار زنش که نه لوییس لین بلکه لانا لین نام داشت، به نمایش گذاشته می‌شد. میزان تطابق جرارد کریستوفر با آنچه یک سوپرمن سنتی و الگوی واقعی این نقش به شمار می‌آید، به حدی بود که حتی وقتی کریستوفر ریو فلج و گوشه‌نشین شد و بحث ساخت یک یا چند فیلم تازه از فرانچیز سوپرمن با ادغامی از کارهای قبلی به میان آمد او یکی از کاندیداهای اصلی انجام این مهم و حضور در چنین آثاری بود و این مربوط به اوایل دهه ۱۹۹۰ می‌شود. جرارد کریستوفر در زمان تهیه سریال تلویزیونی «لوییس و کلارک: ماجراهای تازه سوپرمن» هم چنان نظر مثبت تولیدکنندگان این کار را جلب کرد که او را به‌سرعت برای فرو رفتن در قالب مرد آهنین برگزینند اما به محض اینکه دریافتند او پیشینه این کار را دارد و قبلا هم سوپرمن شده است، چون بنا و هدف سازندگان سریال استفاده از چهره‌ای کاملاً تازه برای ایفای این نقش بود، وی را کنار گذاشتند و به چهره‌ای دیگر (دین کین) روی آوردند.

سریال مکانیسم‌های سوپرمن و قصه‌های آن را چنان به دقت در بر دارد که به دشواری می‌توانید چیزی بهتر از آن را اینجا و آنجا بیابید و یکی از نکات و عواملی که سبب ساز این توفیق شد، هماهنگی کامل و ادغام موفق دین کین در قالب سوپرمن یا تری هجر در هیأت لوییس لین بود. برخی می‌گویند هیکل بیش از حد ورزیده دین کین که محصول سال‌ها حضور او در رشته پر برخورد «فوتبال آمریکایی» بود و لباس غیر متعارفی که به‌عنوان سوپرمن به او پوشانده می‌شد، از ایرادات این سریال است اما دین کین سوپرمن را طوری بازی می‌کرد که به‌تدریج برای نسل‌های بعدی یک الگوی کاری مناسب تلقی شد. کلارک کنت یا همان سوپرمن پنهان توقع داشت که لوییس لین، خود او را بیسندد و نه نسخه قهرمانانه و نهانی و ایده‌آلیستی او را که همانا سوپرمن است و این به مثابه گشودن یک فصل تازه در مثلث عاطفی «کنت- لین و سوپرمن» بود. مهم‌تر از همه اینکه سوپرمن به تصویر کشیده شده در این مجموعه تلویزیونی توصیف دقیق‌تری از این کاراکتر و کاملاً به موازات روند تشریحی دارد که در کتاب‌های کمیک‌بوکی این کاراکتر آمده است و شکی نیست که چنین روایی برای به تصویر کشیدن قهرمان ابدی و بسیار مشهور کمیک‌بوکی‌های یک قرن اخیر لذت ویژه و متفاوت خود را دارد.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

### تام ولینگ

■ **حاضر در سریال تلویزیونی «اسمال ویل» (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲)**



تولیدکنندگان این مجموعه بسیار کوشیدند این سری کارها نمایش مستقیم و صریحی از سوپرمن و مختص به وی نباشد اما گاهی ولو کوتاه و گذرا به تام ولینگ و طریقه ترسیم او و کارهایی که انجام می‌دهد، حتی در اپیزودهای اولیه نیز چیزی خلاف این را می‌گویند و به‌لحاظ قیافه و صورت ظاهر هم این هنرپیشه یادآور چهره و حالات کریستوفر ریو بود. این چنین بود که در پایان ۱۰ سال بخش این مجموعه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی و کابلی جهان، ولینگ سهم و نقشی مختص به خود و جالب توجه در خلق افسانه‌های سوپرمن پیدا کرده و یکی از اضلاع آشکار این فرآیند بزرگ نمایشی شده‌بود. خرده‌گیران می‌گویند زمانی بیش از حد صرف تشریح تبدیل تدریجی کلارک کنت روزنامه‌نگار عادی و خجول به سوپرمن منجی جسور انسان‌های تحت‌ستم جامعه شده و برخی سکانس‌ها گذارند و کسالت می‌آفرینند اما عملکرد ولینگ در ۲۱۸ اپیزود این سریال او را در بالا‌های جدولی قرار می‌دهد که از نام‌های ایفانگار نقش این ابرقهرمان خیالی و کمیک‌بوکی شکل گرفته است. «اسمال ویل»

به ما می‌گوید چه الزام‌هایی کلارک را به سوی سوپرمن شدن سوق داده است.

### برندون روت

■ **حاضر در: «سوپرمن بازی‌مرد» (۲۰۰۶)**



وقتی پس از قریب به دو دهه توقف فیلم‌های بلند سوپرمن تصمیم به بازگشایی این روند و تهیه این فیلم گرفته شد، حاصل کاریک اثر هنری بحث برانگیز از آب درآمد. از یک سو تعداد نمایشی‌ها و تلاش‌های قهرمانانه سوپرمن در این فیلم اندک است که این طبعاً ناقض فلسفه وجودی وی و کاهش دهنده جذابیت این فیلم است و از سوی دیگر پدر شدن سوپرمن بر اساس سناریو اشتباهی بزرگ بود و طرفداران سرسخت این سری فیلم‌ها را مأیوس کرد. در نقطه مقابل اندیشمندتر شدن کاراکتر سوپرمن و بعضی بحث‌های فلسفی درباره دلایل وجود سوپرمن و کارهای او در جامعه این فیلم را نزد کسانی محبوب کرد که فقط به از دیاد بار اکشن و برخورد‌های فیزیکی در این سری آثار کمیک بوکی نمی‌اندیشند و از همین رو «سوپرمن یک» یا کارگردانی ریچارد داند و محصولی از سال ۱۹۷۸ هم از محبوبان آنها در این فرانچیز دریا به حساب می‌آید اما بلافاصله باید یادآوری کرد که شمار این گونه افراد اندک است و «سوپرمن بازی‌مرد» بیشتر یک اثر هنری واپسگرایانه در قیاس با فلسفه و بافت رایج این سری فیلم‌ها محسوب می‌شود که قرار نیست قهرمان آن مردی فکور و فلسفه‌پرداز باشد. در چنین حال و هوای پرتضادی، نوع بازی برندون روت در قالب این قهرمان اکشن و نمایش صمیمانه او تنها چیزی بود که هر دو طیف بسیار متفاوت دوستانداران سوپرمن روی آن اتفاق نظر داشتند و به آن نمره مثبت دادند. فیلم‌های بعدی سوپرمن با وجود کم‌شمار بودن او را به سنت و روند فیزیکی بودن و دوری از اندیشه‌های متعالی رجعت داد ولی در این فیلم بخصوص سوپرمن بی‌شباهت به بت‌من نیست که در عین نیک‌کرداری تردیدهای درونی و اندیشه‌های بد وجودش را مثل خوره درمی‌نورد و او در جست‌وجوی جایگاه حقیقی خود در جهان بدکردار و کج‌مدار فعلی است. سوپرمن با بازی درون‌گرایانه و زیرپوستی برندون روت خودش را آخرین فرزند گمشده تمدنی می‌داند که ریشه‌اش در جهان هستی قطع شده است.

### هنری کاویل

■ **حاضر در: «مرد آهنین» (۲۰۱۳) و «بت‌من مقابل سوپرمن: طلوع عدالت» (۲۰۱۶)**



با آمدن کاویل به پروژه سوپرمن و فرو رفتن او در این قالب یک بار دیگر سوپرمن نماد حرکت و اقدام‌های تند و پر شکوه و تبدیل به مردی شد که کوچک‌ترین صبر و بخششی درخصوص تبهکاران ندارد و مثل تراکتور از روی آنها رد می‌شود! بهترین توصیف از هنری کاویل در این مورد خاص این است که بگوییم وی به سان کریستوفر ریو عمل می‌کند و مثل او بلندقد و ورزیده است و روشنائی از وی می‌بارد و مشت‌هایش نه فقط انسان‌ها بلکه عمارت‌های چند جداري را هم ویران می‌کند. کاویل از اوایل دهه ۲۰۰۰ که امید می‌رفت جی جی آبرامز فرانچیز سوپرمن را به دست بگیرد، در حوزه دید این کارگردان علمی- تخیلی ساز قرار داشت و می‌توانست از همان ایام سوپرمن شود و حتی وقتی «سوپرمن بازی‌مرد» در دست تولید بود، نیز از نامزد‌های بازی در این نقش به حساب می‌آمد. یک فرق هنری کاویل و فیلم‌های سوپرمنی و پربرخورد وی با سایر کارهای مرتبط با این قهرمان این است که حضور او در قالب کلارک کنت روزنامه‌نگار و سکانس‌های مرتبط با این قضیه در کمتربین حد است و هرچه از او می‌بینیم، پرواز و درگیری و درهم کوبیدن تبهکاران در سریع‌ترین زمان ممکن است و بدین روی جای تعجب ندارد که دوستانداران سنتی تر سوپرمن که عظیم‌ترین شق را در میان هواداران او تشکیل می‌دهند، وی را تحسین کنند. کاویل در اوایلین فیلم بلند در بردارنده همزمان دو کاراکتر افسانه‌ای سوپرمن و بت‌من نیز باز در همین قالب ظاهر شد و او بر خلاف تضاد و اختلاف آرای به‌وجود آمده در مورد بهترین گزینه برای ایفای نقش بت‌من اینک تنها گزینه و قاطع‌ترین انتخاب برای فرو رفتن در جلد سوپرمن از منظر مردم به شمار می‌آید و در فیلم‌های «اتحادیه عدالت» نیز همین تجسم قاطعانه از سوپرمن با بازی کاویل در اذهان شکل می‌گیرد.